

از : دکتر احمد فتاحی پور

نظری اجمالی به

مشخصات طبقات اجتماعی ایران

وظیفهٔ مربیان جوانان است که آنها را به واقعیات طبقاتی در یک اجتماع سرمایه داری آشناسازند و دامنه انتظارات ایشانرا منطبق با این واقعیات بکنند . گله‌گذاری، ناسزاگویی، کارشکنی و اخلال و بی‌اعتنائی بمسائل جدی زندگی در خیلی از موارد این نوع نارضیاتی ناشی از اختلافات طبقاتی هستند . باید بجوانان فهماند که با این صفات منفی نه تنها کار ترقی مملکت دشوار میشود بلکه وضع خود آنان نیز اصلاح نمیکردد . چه بهتر که شخص با اقدام مثبت و انتظار واقع بینانه وضع خود و اجتماع را بهبود بخشد .

در شمارهٔ گذشته در تحت عنوان «نارضیاتی غیر واقع بینانه در بین جوانان» دامنهٔ سخن باینجا کشید که در جوامع کاپیتالیستی اعضای هر طبقهٔ اجتماعی دارای مشخصات خاصی هستند و باینکه از نظر تئوری برای هر فردی این امکان موجود است که باجدیت و کوشش و پشتکار و تحصیل علم و مال بطبقات بالاتر ارتقاء یابد ولی عملاً بعلت سلیقه‌ها و طرز تفکر و رفتار خاص هر طبقه دامنهٔ این ترقی محدود میشود و شکستها و ناکامیهای مکرر (Frustration) حاصل از این تلاش دائم ولی کم اثر یکنوع نارضیاتی در بین اشخاص علی‌الخصوص جوانان ایجاد مینماید که خودمولد و مسبب ناراحتی‌های بیشمار فردی و اجتماعی دیگر میشود . همچنین گفته شد که این نارضیاتی اگرچه ممکن است بجا باشد ولی در نظام سرمایه‌داری غیر واقع بینانه است . نمونهٔ این قبیل نارضیاتی را میتوان در مثال ذیل ملاحظه کرد :

دوست شما پرخاش کنان و ناسزاگویان میگوید : «ببین ! عجب اقتضاحیه ! من و حسین هر دو همکلاس بودیم و هر دو حقوق خواندیم . باینکه من شاگرد اول کلاس بودم و حسین يك شاگرد معمولی معذالك حسین الان صاحب ویلا و ماشین آخرین سیستم است در حالیکه من هنوز هشتم گرو نهام است .» این ادعا ظاهراً صحیح است و بنظر میآید که

حسین بناحق صاحب همه چیز شده و رفیق شما نیز بیجهت صاحب همه چیز شده است. و اما از نظر يك دیدۀ واقع بینانه بر نظام يك جامعه طبقاتی این ادعا میتواند كاملاً غلط باشد زیرا تحصیل علم و دانش بیشتر تنه‌املاك ترقی افراد در این قبیل اجتماعات نیست بلکه عوامل دیگر اقتصادی و اجتماعی مربوط طبقه‌ای که شخص از آن برخاسته است روحیات و طرز رفتار و تفکر وی را و بالتبعه میزان پیشرفت فرد را معین می‌سازند. در يك اجتماع طبقاتی سرمایه‌داری هیچ بعید نیست که دونه‌فر با یکنوع و یکمقدار تحصیلات علمی در دو طبقه مختلف اجتماعی قرار گیرند و یکی بر دیگری تفوق یابد. ناراحتی از این تفوق تشنجات و نارضایتی‌های دیگری تولید مینماید ولی اگر شخص ساختمان طبقاتی اجتماع کاپیتالیستی و مشخصات هر طبقه پی ببرد و متوجه شود که هر فرد بعلت مبدأ طبقاتی‌اش (Social Origin) یعنی محیط اولیه‌اش دارای محدودیت‌هایی است احتمال می‌برد که بهتر از امکانات موجود استفاده کند و بانداشتن توقعات نابجا و غیرواقع بینانه زندگی را برای خود قابل قبول‌تر سازد.

بخاطر سپردن این نکته که عوامل اقتصادی و اجتماعی موجود در بین طبقات بمانند سرمایه‌هایی هستند که در افراد بکار انداخته می‌شوند حائز کمال اهمیت است. میزان و مقدار سرمایه بکار انداخته شده در فرد و نحوه استفاده از آن سرمایه میزان بهره‌ای را که عاید شخص میشود معین می‌سازند.

اگر سرمایه اولیه «فقر» باشد کودکی که راه و رسم زندگی فقیرانه را یاد می‌گیرد بسختی خواهد توانست وارد گروه ثروتمند شود و بالفرض هم که این شخص بتواند ثروتی گرد آورد بعلت طرز تفکر خاص طبقاتی‌اش از سایر ثروتمندان غیر مشابه خود متمایز است و بآن علت ورودش بطبقات بالاتر کار ساده‌ای نخواهد بود. و بدین منوال اگر سرمایه اولیه «ثروت» باشد انسان دیگری بوجود خواهد آمد که خواستها و امیال و سلیقه‌هایش با آن فرد فقیر بسیار مختلف است. با توجه باین اصل سرمایه‌گذاری در فرد بایستی قبول کرد که اختلاف طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری امری است بدیهی و مسلم. همچنانکه با سرمایه ناچیز نمیتوان انتظار بهره فراوان داشت انسان متولد در خانواده محروم نیز نمیتواند دامنه انتظارش را زیاد بسط دهد. بنابراین اگر واقعیت نظام سرمایه‌داری قبول شود یعنی شخص بخواهد و یا مجبور باشد در اجتماع سرمایه‌داری زندگی کند باید این اصل را نیز بپذیرد که دامنه توقعاتش از اجتماع بایستی منطبق بامقدار سرمایه‌ای باشد که در وجود وی بکار انداخته شده است.

در شماره گذشته این مجله ساختمان طبقاتی اجتماع سرمایه‌داری

مدرن ترسیم گردید و این نکته نیز تأکید شد که هر يك از شش لایه Stratum اجتماع دارای خصوصیات مختص بخود است ولی توضیحی درباره این «خصوصیات طبقاتی» داده نشد. در این شماره کوشی بعمل خواهد آمد که این مشخصات طبقات اجتماعی تا حدود ممکن تعریف شود. بعد از شرح مختصری درباره این مشخصات طبقاتی توجه خوانندگان عزیز را مجدداً معطوف بمسئله «نارضایتی غیر واقع بینانه» خواهیم کرد و پس از نتیجه گیری باین بحث خاتمه خواهیم داد.

قبل از بیان مشخصات هر طبقه مقدمتاً ذهن خوانندگان گرامی را بچند نکته جلب مینماید. اولاً بعلمت اینکه جامعه ایرانی در حال حاضر شکل معینی نیافته و کاملاً هم بصورت کاپیتالیستی در نیامده خصوصیات هر يك از شش لایه اجتماعی نیز وضع قاطع و کاملاً مشخصی پیدا نکرده است. ثانیاً بسیاری از افراد دقیقاً در يك لایه خاص قرار نمیگیرند و چه بسا که در سرحد انتقال از يك لایه بالای دیگر هستند. اینگونه افراد بعضی از مشخصات هر يك از دو لایه پیشین و آتی را دارا میباشند. در وضع فعلی که جامعه ما دچار تحولاتی از درون است این عده تعداد قابل ملاحظه‌ای را تشکیل میدهند. ثالثاً مشخصات طبقات اجتماعی بترتیب ذکر شده در ذیل باتوجه بوضع طبقات مشابه در جوامع پیشرفته غرب و مشاهدات نگارنده در ایران تنظیم شده است. بنابراین مطالب زیر را بایستی بعنوان مقدمه تحقیقی دیگر که مبتنی بر اصول علمی باشد تلقی نمود. رابعاً بعلمت ضیق صفحات مجله مطالب ذیل تمام مشخصات هر طبقه را بیان نمیکند. برای جبران این نقیصه و برای شناسائی بیشتر بمشخصات طبقات اجتماعی لیستی از چند کتاب مفید در این زمینه در انتهای این مقاله داده شده تا خواننده عزیز بامراجعه بآنها بتواند اطلاعات وسیعتر و جامعتری بدست آورد.

مشخصات طبقه بالای بالا Upper upper class - افراد این طبقه

معمولاً از چند نسل پیش ثروتی بارث برده‌اند و بعبارت دیگر ثروت در بین آنان موروثی و امری است پذیرفته شده و عادی. در بعضی از موارد این احتمال وجود دارد که برخی از افراد این طبقه ثروت خود را بعللی از دست داده باشند ولی چون با خانواده‌های منتسب بطبقه بالای بالا هنوز روابط خویشاوندی دارند و صفات آن طبقه را در خود حفظ کرده‌اند موقعیت مخصوص خود را از لحاظ اجتماعی نیز محفوظ نگاهداشته‌اند.

افراد این طبقه اعضای بعضی از کلوبهای اختصاصی هستند و ریاست افتخاری مجامع هنری و ادبی اغلب با آنها است. علاقه این افراد معمولاً بتاریخ و ادبیات و مباحث فلسفی و موسیقی کلاسیک و باله است

و از مناظره‌های جدی لذت میبرند. افراد این طبقه بتعلیم و تربیت نظری و فلسفه توجه خاص دارند و چون معمولاً از گردآوری ثروت بی‌نیازند می‌کوشند فرزندان خود را برشته‌های فلسفی و تاریخی و هنری علاقمند سازند تا آنها بتوانند در مجالس و محافل بی‌بحث‌های «عمیق» دربارهٔ مسائل گوناگون بپردازند. در این خانواده‌ها کودکان معمولاً از طفولیت بتحصیل زبان فرانسه، هنر، موسیقی و ادبیات می‌پردازند. بعدها دختران این رشته‌های ادبی و هنری را ادامه می‌دهند و پسران بتحصیل هنر معماری، طب و یا حقوق مشغول میشوند. مدارس خصوصی گران‌قیمت معمولاً فرزندان این گروه را تربیت میکنند (گاهی در خارج از کشور). سران گروه «هزارفامیل» در ایران جزء طبقه بالایی‌ها هستند و افراد این طبقه نیز همه باهم نسبت قوم و خویشی دارند. این افراد معمولاً قدرت پشت‌پرده سیاست می‌باشند و بدون اینکه ظاهراً فعالیت‌هایی انجام دهند سر‌نخ‌ها را بدست دارند و حمایت خود را متوجه افراد جاه‌طلب طبقه متوسط‌بالا میکنند و نیات خود را بدست این طبقه متوسط‌بم‌رحله اجرا می‌گذارند. این اشخاص معمولاً سفراء کبار، سناتورها و رجال قدیمی کشور هستند. برخی از آنان نیز در دوره‌های معینی از نظر اجتماعی و سیاسی ظاهراً فعال نیستند. افراد این طبقه از خودنمایی خودداری میکنند و موقر و سنگین بنظر میرسند خانه و باغ و سنتهای معمول در افراد خانواده‌های لایه بالایی بالا معمولاً قدیمی است و از نظر ظاهری جلب توجه نمیکند. تعداد اینقبیل افراد بسیار کم و باصطلاح انگشت‌شمار است ولی نفوذ معنوی و اجتماعی و سیاسی آنان فوق‌العاده زیاد است.

چون امتیاز اصلی این طبقه قدمت طولانی رهبری جامعه است ورود باین طبقه بسیار مشکل و محتاج مرور زمان میباشد. تنها بعضی از فرزندان افراد طبقه بالایی پائین بعلت ازدواج و یا استعدادهای جالب موفق بورود باین طبقه میشوند.

طبقه بالایی پائین Lower upper class — افراد این طبقه همان مشخصات لایه بالایی بالا را دارند باین تفاوت که از نظر طبقه بالایی بالا هنوز «اصالت» کافی ندارند و گاهگاهی نیز رفتار و سلیقه‌شان خودنمایانه است. درحالیکه یکفرد از طبقه بالایی بالا ممکن است درخانه قدیمی آباء و اجدادی خود برای مدت طولانی زندگی کند و بحفظ سنن قدیمی زیاد معتقد و پای‌بند باشد یکفرد از طبقه بالایی پائین بعلت نداشتن «ریشه» محکم ممکن است آماده‌تر برای تغییراتی نوین در وضع زندگی خود باشد و احياناً در خانه‌های نوسازتری زندگی کند و یا سلیقه‌هایش بیشتر مطابق با زندگی نو باشد.

از نظر سیاسی اگرچه افراد این طبقه آن وزن و اهمیت فراوان طبقه بالای بالا را ندارند ولی اغلب صاحب نفوذند: بعضی از نمایندگان با سابقه مجلس شورایی و وزیران مسن‌تر و استادان عالی‌مقام اعضای این طبقه هستند.

ورود باین طبقه نیز مشکل است ولی چون افراد آن مانند طبقه بالای بالا زیاد معتقد بوجود و حفظ سن گذشته نیستند ممکن است با اکراه کمتری بطبقه متوسط بالا اجازه اعتلاء دهند.

طبقه متوسط بالا Upper-Middle class — اعضای این لایه اجتماعی معمولاً افرادی جاه‌طلب، فعال، زرنگ و ثروتمند میباشند، مدیران شرکتها و بانکها و رؤسای عالی‌رتبه ادارات و پزشکان عالی‌مقام و بعضی از استادان از افراد این طبقه هستند. اعضای این گروه نه‌تنهای اشرافی لایه بالای بالا را دارند و نه علاقمند بوجود آوردن سنتهای نظیر روش‌های کهن هستند. در حال حاضر این طبقه از اجتماع ما اغلب خود را معاشر و دوست غربیها میسازند و در خیلی از موارد بفرنگی‌مآب بودن خود مباحثات میکنند. اعضای این طبقه ثروت و پول و سرمایه اهمیت خاصی میدهند و در ازدیاد سرمایه خود و احتمالاً کشور نقش مهمی دارند. این افراد ممکن است حتی از نظر مقدار ثروت از طبقات بالاتر بیشتر غنی باشند ولی «نقطه ضعف» آنها در نداشتن «اصالت» است. اگرچه بعضی از افراد این طبقه ثروت خود را از راه ارث بدست آورده‌اند ولی بسیاری از اعضای این لایه نیز مردان خودساخته‌ای هستند که از طبقه متوسط‌پائین برخاسته‌اند. انجمن‌ها و یا کانونهایی که این افراد عضو آن میباشند بیشتر جنبه حرفه‌ای دارند از قبیل جامعه پزشکان یا کانون و کلاء دادگستری و یا اطاق بازرگانی. افراد این گروه بمسافرت اهمیت زیاد میدهند و در هر سال مسافرتهایی در داخل و یا خارج کشور میکنند.

منازل این افراد از نظر اندازه متوسط یا بزرگ میباشند ولی حتماً در «بهترین» محله شهر و یا حومه شهر واقع شده‌اند. این منازل کاملاً نوساز و وسایل داخلی منزل اغلب پر زرق و برق و «چشم‌گیر» هستند. افراد این گروه بیش از طبقه بالای پائین خودنمایی میکنند و از نظر ظاهری اغلب چشم دیگران را خیره میسازند. این اشخاص دارای ماشینهای شخصی (اغلب مدل امریکائی و غیراز فولکس‌واگن) میباشند. تحصیل علم و دانش بمنظور ازدیاد سرمایه شخصی برای این طبقه اهمیت خاص دارد و بسیاری از افراد این گروه موقعیت طبقاتی کنونی خود را از طریق کسب علم احراز کرده‌اند. در اصطلاح عامه بعضی از افراد این طبقه «تازه بدوران رسیده» *Nouvelle Riche* خوانده میشوند زیرا میکوشند ثروت خود را

برخ دیگران بکشند. افراد باهوش تر و آگاه تر این طبقه عمداً از خودنمایی پرهیز میکنند تا شاید جزء طبقات بالاتر محسوب شوند ولی از نقطه نظر افراد طبقه بالا رفتار آنان معمولاً «متظاهرانه» جلوه مینماید. ورود باین طبقه برای افراد طبقه متوسط پائین تنها وقتی میسر است که تحصیلات خوب کرده باشند و ثروتی گرد آورده و بر اثر معاشرت با افراد طبقه متوسط بالا راه و رسم زندگی این طبقه را فراگرفته باشند.

طبقه متوسط پائین Lower middle class - افراد این طبقه مردم معمولی توی خیابان از قبیل برخی از کسبه نسبتاً پولدار، خرده مالکین، بعضی از کارمندان دولت، «بقه آهارها»، معلمین و بعضی از مهندسين و پزشکان جوان میباشند. بسیاری از افراد این طبقه (نه همه شان) دارای تحصیلاتی در حدود دیپلم و یا لیسانس میباشند و اگرچه از نظر درآمد مستمر ممکن است وضعشان نسبتاً خوب باشد ولی چون بندرت ثروتی از گذشته باثرب برده اند در حیطه اختیارات مالی خود ضعیف میباشند و جرأت بلندپروازی زیاد را ندارند. بعضی از کسبه دارای ثروت قابل ملاحظه ای میشوند ولی چون سواد کافی و یا تحصیلات لازم را ندارند در همین طبقه باقی میمانند و فقط در صورتیکه فرزندان شان خوب تحصیل کنند احتمال اعتلاء اجتماعی برای آن خانواده ایجاد میشود، منازل این اشخاص اگرچه ممکن است احتمالاً وسعت داشته باشند ولیکن در محله های «پست تر» واقع شده است. اغلب افراد این طبقه دارای ماشین نیستند ولی اگر هم صاحب ماشین بشوند بندرت از حدود فولکس واگن و با ماشینی نظیر آن تجاوز میکنند. افراد «ناراضی فعال» در بین این طبقه معمولاً زیاد تر است زیرا این اشخاص اغلب بی میبرند که «نقطه ضعف» آنها عدم توانائی مالی آنها است و آنچه آنها را در زندگی عقب نگه داشته نداشتن پول در خانواده خودشان و یا پدر و مادرشان بوده است.

ورود باین طبقه برای افراد طبقه پائین بالا تنها با تحصیل علم و یا فنون صنعتی میسر میشود و محتاج بقدمت یا اصالت خانوادگی نیست.

طبقه پائین بالا Upper-Lowe class - کارگران، بعضی از کسبه کم سرمایه، رانندگان و بعبارت دیگر «بقه چرکین» ها، اعضای این طبقه هستند. از نظر تعداد عده اعضای این طبقه معمولاً بیشتر از سایر طبقات است و اغلب آنها ساکن جنوب شهر و یا نواحی فقیرنشین هستند. معمولاً این افراد کرایه نشین بوده و در یکی دو اطاق اجاره ای در محله های «بد» زندگی میکنند. افراد این گروه اغلب بیسواد و یا کم سواد هستند و از بسیاری از مزایای زندگی محروم میباشند. درآمد افراد این طبقه اغلب بسیار کم و جزئی است و آنچه را که بدست میآورند فوراً خرج میکنند.

خیلی از آنها «روزبروز» زندگی میکنند و چو فردا شود فکر فردا کنند. فقر، جهل، بیسوادی و بیکاری جزء مشخصات اولیه این طبقه محروم است. افراد این گروه چون از نظر مادی بسیار محتاجند اغلب مجبور میشوند همه چیز را باهم مشترک شوند. اطاق خواب آنها مشترک است، ظروف سرفره آنها محدود و مورد استفاده چند نفر است. گاهی بچه‌ها لباسهایشان را باهم مشترک میشوند. بطور کلی در کلیه مراحل زندگی خود بروش هم‌زیستی و برادری و برابری و زندگی اشتراکی خو میگیرند و علائق و روابطشان بصورت «گروهی» و «دسته‌جمعی» درمی‌آید. اشیاء موجود در منزل آنها متعلق بهمه است و بعبارت ساده‌تر کمتر چیزی «مال من» است بلکه هر چیزی «مال ما» است. برعکس طبقه متوسط بالا که بعلت وجود ثروت، اشیاء داخل منزل برای هر فرد بصورت جداگانه موجود است و افراد مجبور بسهم شدن و مشترک ساختن ثروت نیستند افراد طبقه پائین بالا از همان کودکی در خانواده خود یاد میگیرند که اجناس و اشیاء موجود را بادیگران قسمت کنند و «برادروار» باهم زندگی نمایند. درحالیکه بازهم بعلت ثروت دربین طبقه متوسط بالا، خصوصیات فردی از قبیل استقلال طبع و آزادی رشد میکنند دربین طبقه پائین بالا بصفت برادری و برابری و دسته‌جمعی زندگی کردن تقویت میشوند. نفوذ مذهب در بین افراد طبقه پائین بالا معمولاً قوی است و در بسیاری از موارد امید بزندگی بهتر در دنیای دیگر و یا عملاً بصورت زندگی در دنیای آینده آنها را بفعالیت‌های سیاسی افراطی میکشاند. آنها که در فعالیت‌های سیاسی وارد نمیشوند بفعالیت‌های مذهبی می‌گروند و باایمان بدنیای بهتر پس از مرگ مشقات زندگی را با فشار کمتری متحمل میشوند.

طبقه پائین پائین Lower lower class - پائین‌ترین لایه اجتماع

را افراد این گروه تشکیل میدهند که محرومترین موجودات روی زمین میباشند. رعایای فقیر و مهاجرین شهر و ساکنین زاغهای جنوب شهر تهران نمونه‌هایی از این افراد میباشند. فقر و فاقه شدید مهم‌ترین خصوصیت این طبقه است. چون این افراد از نعمت سواد و ثروت محرومند دچار شکست‌های فراوان در زندگیشان میشوند. بعضی از افراد این گروه بمناسبت سرکوب شدن امیالشان بکرات در زندگی و محرومیت‌های فراوان دچار روحیه تسلیم بقضا و قدر میگردند و چون دیگر وضعشان نمیتواند بدتر از آن شود که هست از هیچ حادثه‌ای هرچقدر هم که ناگووار باشد متأثر نمیشوند و خاصیت مبارزه‌جوئی را کاملاً از دست میدهند. بیکاری و نداشتن درآمد معین از خصوصیات دیگر این طبقه است، برخلاف طبقه پائین بالا که بیشتر بزم‌دوری مشغول است افراد این طبقه اغلب بیکارند

و برای یافتن نان خانه بدوشند. يك وجه امتیاز بزرگ بین این طبقه و طبقه پائین بالا وجود روحیه فردی و روستائی در بین این طبقه پائین پائین است. چون فقر و فاقه شدید بر آنها حکومت میکند مسئله «مشارکت چیز کم» برای آنها چندان مفهومی ندارد و در نتیجه آن خصیصه همزیستی و روحیه گروهی کارگر جای خود را بتلاش سخت فردی برای سد جوع و ادامه حیات میدهد.

پدران و مادران در این خانواده‌ها بیسوادند و بندرت فرزندان خود را بمدرسه میفرستند. کودک متولد در این طبقه شانس ترقی بسیار کمی در زندگی دارد و بعزت محرومیت‌های بیشمار اولیه در زندگیش هیچ بعید نیست برای همیشه در همان طبقه بماند.

مشخصات طبقات اجتماعی بنحوی که در فوق ذکر شد يك حقیقت را کاملاً روشن میسازد و آن اینست که افراد بیش از هر چیز محصول و مولود عوامل اقتصادی خانواده خود هستند.

وظیفه مربیان جوانان است که آنها را بواقعیات طبقاتی در يك اجتماع سرمایه‌داری آشنا سازند و دامنه انتظارات ایشان را منطبق باین واقعیات بکنند. گله‌گذاری، ناسزاگویی، کارشکنی و اخلاق و بی‌اعتنائی بمسائل جدی زندگی در خیلی از موارد علامت این نوع نارضایتی ناشی از اختلافات طبقاتی هستند. باید بچوانان فهماند که باین صفات منفی نه تنها کار ترقی مملکت دشوار میشود بلکه وضع خود آنان نیز اصلاح نمیکرد. چه بهتر که شخص با اقدام مثبت و انتظار واقع بینانه وضع خود و اجتماع را بهبود بخشد. در فرصت دیگر باز هم در این باره گفتگو خواهیم کرد.

نشریات مفید دوباره این مبحث

- ۱- «طرح روانشناسی طبقات اجتماعی» نوشته موريس هالبواکس ترجمه دکتر علی محمد کاردان از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۴۰
2. ALLISON DAVIS, et al, DEEP SOUTH, CHICAGO, the university of Chicago press, 1952.
3. Allison Davis and Robert J. HAVIGHURST, FATHER OF THE MAN, Boston, HOUGHTON MIFFLIN Co.; 1941.
4. Allison Davis, Social-class Influences upon learning, Cambridge, Harvard university press, 1955.
5. Robert J. Havighurst and Bernice Neugarten, Society and Education, Boston, Allyn and Bacon, Inc., 1957.